

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان :
The presence of the tree in Morocco
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

حضور درخت در مراکش *

ریحانه حجتی**
کارشناس ارشد معماری منظر

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۰۴ تاریخ اصلاح: ۹۷/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۴/۰۵ تاریخ انتشار: ۹۷/۰۶/۲۶

چکیده

با نگاه به ریشه کلمه "بومی"، برای درک جلوه بومی یک عنصر در فرهنگ یک سرزمین باید جلوه‌های مختلف عینی و ذهنی آن را در محصولات فرهنگی برخاسته از آن جستجو کرد. نمودهای عینی بیشتر از فضاهای کالبدی مانند شهرها، معماری و سایر محصولات مبتنی بر عینیت یافتن یک اندیشه قابل استخراج است و جلوه‌های ذهنی بیشتر از بروز ذهنیت اهالی یک سرزمین در هنرها و دریافت‌های ذهنی‌تر آنها حاصل می‌شود. در این مقاله برای درک جلوه بومی درخت در شهرهای مراکش به نحوه حضور درخت در مدینه‌های مراکش - به عنوان هسته اولیه شکل‌گیری شهر - و نحوه حضور آن در هنرهای مختلف مانند باغ‌سازی و هنرهای تزیینی رجوع شده است. بازدید نمونه‌های منتخب در مدینه شهرهای مراکش، استفاده حداقلی در بکارگیری درخت در مناطقی که حتی با مشکل تأمین آب نیز مواجه نیستند، نشان از نگاه بومی به این عنصر در شکل‌گیری شهرها به عنوان یکی از آثار تمدن بومی مراکش دارد. غیر از سبزی‌نگی مربوط به منازل مسکونی در بافت، حضور درخت در سطح معابر و جداره‌های شهری غالباً صفر و بعضاً محدود به حضوری غیر کاربردی و منفعلانه بوده است. گرچه این موضوع در مدینه شهر مکناس به صورت دیگری اتفاق افتاده و درختان به عنوان یکی از مؤلفه‌های تعریف نقاط عطف محله نقش دارند، اما برخورد غالب در بهره‌گیری از درخت، استفاده حداقلی از آن است. با کنکاشی در هنرهای بومی مراکش نیز این اتفاق به گونه‌ای مشابه قابل شناسایی است؛ به طوری که حضور کم‌رنگ درخت و گیاه در نقاشی‌ها، هنر تزیینات و حتی هنر باغ‌سازی که موضوع اصلی آن ایجاد محیط‌های سبز عمده است نشان از عدم وجود نگاه بومی به این عنصر است. بدین ترتیب می‌توان گفت جلوه بومی درخت در مراکش، «بی‌درختی» یا عدم جلوه‌گری درخت در فضاهای شهر است یا به عبارت دیگر درخت تبدیل به عنصر بومی در سرزمین مغرب نشده است.

واژگان کلیدی: درخت، مراکش، جلوه بومی منظر، جایگاه ذهنی.

مقدمه

به دو دسته منابع رجوع شده است. دسته نخست مدینه‌های شهرهای مراکش است که اصیل‌ترین بافت سکونت‌ی و بومی‌ترین شیوه ساخت و ساز در مجتمع‌های شهری در مراکش هستند و می‌توانند عینیت حضور بومی عناصر طبیعی را در یک سکونتگاه مصنوع نشان دهند. دسته دوم، هنرهای اصیل مراکشی از جمله

یکی از جلوه‌های بومی سرزمینی، نحوه حضور عناصر طبیعی در مؤلفه‌های عینی و ذهنی آن است. بدین منظور و برای یافتن نحوه حضور بومی عناصر طبیعی در منظر سرزمینی مراکش

خاستگاه یا آوردگاه هر چیزی می‌تواند باشد. از معانی سرشت، طبیعت و خوی ابعاد ذهنی و از معانی سرزمین، ناحیه، منزل، زمین و زمینه ابعاد عینی آن قابل برداشت است. بدین ترتیب هر امری را خاستگاهی است که آن را "بوم" می‌نامند و آن امر را "بومی" آن خاستگاه.

گرچه امروز و برحسب ادبیات رایج، اصطلاحات بوم، بوم‌شناسی و بوم‌آورد بیشتر قائل به ابعاد فیزیکی آنچه از منطقه‌ای مشخص حاصل می‌شود است، اما رجوع به معانی "بوم" در ادبیات فارسی نشان می‌دهد یک محصول بومی در فرایندی هویت‌محور حاصل شده و ابعاد عینی و ذهنی سرزمین را به دنبال دارد.

بنابراین برای فهم درستی از بومی یا غیربومی بودن یک عنصر در یک فرهنگ، باید به دنبال حضور یا عدم حضور آن در آورده‌ها یا محصولات آن سرزمین بود. در ادامه با اشاره به نحوه حضور "درخت" در فرهنگ سرزمین‌های مختلف، به بررسی این حضور در سرزمین مراکش و مطالعه محصولات فرهنگی آن پرداخته می‌شود.

جایگاه درخت در فرهنگ سرزمینی

درخت در طول تاریخ و به دلیل ویژگی‌های خاص خود به عنوان نماد زندگی، استواری، فناپذیری و امثال آن نقش قدسی به خود می‌گرفته و در عرصه‌های مختلف زندگی بشر نمود فرهنگی و معنایی پیدا کرده است. گاه در تزیینات مکان‌های قدس، گاه به صورت تک‌درختی ویژه که محل بستن دخیل و گرفتن حاجات می‌شود و گاه در آیین‌هایی که از مقدس دانستن درخت برآمده، بروز پیدا می‌کند.

مفهوم درخت مقدس به عنوان نخستین موجود زنده و نماد حیات و جاودانگی، در اغلب فرهنگ‌های باستانی جای دارد. «درخت در معنای عام، دال بر حیات گیتی، رشد و زاینده‌گی و فرایندهای زایایی مکرر آن است. همچنین به معنای زندگی جاودانه و بی‌زوال و فناپذیری است» (گورین، ۱۳۸۳: ۱۷۸). مضامین درخت زندگی و خدایان نباتی که غالباً به شکل درخت تصویر شده‌اند در تمدن‌های گذشته وجود داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به آتیس و کاج بن، ازیریس و درخت سدر، آرتمیس خدای شکار به شکل درخت مورد و زیتون وحشی هراکلس اشاره کرد (تصاویر ۲۱). نقوش درخت و نمادهایش بیشتر از آن به عنوان درخت مقدس و یا درخت زندگی یاد شده است، از ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد در هنر و تزیینات تمدن‌های مختلف قابل ردیابی است. انواع هنرها و محصولات فرهنگی این تمدن‌ها با کمیات مختلف متأثر از این عنصر طبیعی بوده و برخاسته از جایگاه آن در ذهن و اندیشه آفرینندگان آن هنرها بوده است (تصویر ۳). فرش و

فرش، نقاشی و تزیینات معماری است که می‌توانند ابعاد ذهنی حضور گیاه را در فرهنگ مراکش به مثابه بعد ذهنی منظر این سرزمین روشن سازند. در کنار این موارد، باغ‌سازی نیز به عنوان یکی از اصلی‌ترین منابعی که می‌توان نگاه به عناصر طبیعی را در آن جستجو کرد، مورد بررسی قرار گرفته است. برای بیان چگونگی حضور بومی عناصر طبیعی در یک فرهنگ، درخت به عنوان یکی از مهم‌ترین این عناصر انتخاب شده است. درخت عنصری است که با حضور در ابعاد عینی و ذهنی منظر یک سرزمین جلوه‌هایی در هنر، معماری و شهرسازی آن داشته و نشان‌دهنده جایگاه طبیعت در منظر بومی یک منطقه است. این مقاله با سؤالات زیر به دنبال یافتن این جایگاه در منظر بومی سرزمین مراکش است:

سؤالات پژوهش

- عوامل تبدیل یک عنصر به عنصر بومی یک سرزمین کدامند؟
- جایگاه درخت به عنوان اصلی‌ترین عنصر فضای سبز در بین اندام‌های شهری مدینه‌های مراکش کجاست؟
- درخت در هنر و تزیینات مراکش چگونه بروز پیدا می‌کند؟
- جلوه بومی درخت در شهرهای مراکش چیست؟

عنصر بومی در یک سرزمین

در مقدمه موضوع باید دانست چه عنصری در یک فرهنگ تبدیل به یک عنصر بومی می‌شود. اگر بدانیم عنصر بومی باید چه مشخصه‌هایی داشته باشد، آنگاه می‌توان از خلال استخراج مشخصات آن برای اثبات بومی‌بودن یا نبودن جلوه‌های بومی آن را نیز ارایه داد. با رجوع به معنای کلمه "بوم" به عنوان ریشه صفت نسبی "بومی"، می‌توان نگاهی دقیق‌تر به کلمه و آنگاه مفهوم "بومی" داشت. بوم در ادبیات فارسی به معنای مختلفی آمده است که غیر از معنای جغد یا پرنده‌ای که به نحوست مشهور است و مدنظر مفهوم "بومی" نیست، معانی دیگر بوم بر "خاستگاه یک امر" دلالت دارند. معانی زیر برای بوم قابل استخراج است که براساس آن می‌توان این مفهوم کلی را برداشت کرد:

- زمین غیرآبادان و ناکاشته (رشیدی و ناظم‌الاطبا)
- سرشت و طبیعت (برهان و معین)
- سرشت، طبیعت و خو / جایی که در آن کسی زندگی می‌کند (ناظم‌الاطبا)
- سرزمین، ناحیه / زمینه آماده شده اعم از پارچه و غیره که بر روی آن نقاشی کنند (معین)
- مقام، منزل و مأوا (ناظم‌الاطبا، معین)
- در واقع می‌توان بوم را یک مفهوم عینی-ذهنی دانست که

انار را مقدس و نشانه‌ای از وحدت و ذات الهی می‌انگارند و به آن دخیل می‌بندند و از آن مرادخواهی می‌کنند (فره‌وشی، ۱۳۸۲ : ۶۵). نمونه‌هایی اینچنین، اشاره به حضور فرهنگی درخت در اندیشه ایرانیان دارد و آن را تبدیل به عنصری از منظر بومی ایرانی کرده است (تصاویر ۶ تا ۸). حضور درخت و گیاه در فرهنگ‌های مختلف بحثی مفصل و بسیار گسترده است که زاویه نگاه ما را به نحوه بروز بومی درخت در فرهنگ مراکش تنظیم می‌کند. بدین ترتیب که مطالعه جلوه‌های بومی درخت در مراکش مستلزم بررسی نحوه حضور آن در شهرها، مناظر، باغ‌ها و هنرهای دیگر در بستر فرهنگ مراکشی است. به عبارت دیگر حضور بومی درخت به عنوان حضوری که برآمده از خاستگاه فرهنگی و تمدنی مراکش است زمانی مکشوف خواهد شد که بررسی آن در مطالعات شهرها و هنرهای بومی، اصیل و تاریخی این سرزمین انجام شود. به اقتضای سفر انجام شده به شهرهای مختلف کشور مراکش و تحقیقات پس از آن، این جلوه بومی جستجو شده است.

جلوه‌های حضور بومی درخت در شهرهای مراکش
شهرهای مورد بازدید در کشور مراکش را می‌توان به صورت



تصویر ۳. نقش درخت در سنگ‌نگاره‌های ساسانی، قرن ششم پیش از میلاد. مأخذ: en.wikipedia.org



تصویر ۱. درخت بلوط به عنوان درخت زندگی نزد مصریان باستان تقدیس می‌شده است. مأخذ : <http://www.touregypt.net>



تصویر ۲. موزاییک‌کاری کلیسای سن پاول لندن که نقش درخت زندگی در پس زمینه مسیح به صلیب کشیده شده دیده می‌شود، نشان از تقدس درخت در فرهنگ آنها دارد. مأخذ : <http://www.victorianweb.org>

نقوش تزیینات معماری از جمله صحنه‌های بارز این حضور هستند که مصادیق باقی‌مانده آنها نشان از جایگاه ذهنی درخت در فرهنگ‌های گذشته داشته است (تصاویر ۵ و ۴). یکی دیگر از نحوه‌های حضور درخت به عنوان عنصری برخاسته از جایگاه والای ذهنی آن در اندیشه مردمان، حضور منظرین آن در فضاهای مصنوع است. توجه به درخت به عنوان عنصری گزینش شده و منظرین را می‌توان در ساخت اماکن مقدس در کنار درختان خاص و مورد احترام دنبال کرد. سروها و چنارهای کهن ایران که در کنار آب‌ها و پای کوه‌ها حضور دارند و از گذشته‌های دور در جوار آنها، نیایش‌گاه‌ها شکل گرفته است، از عناصر مقدس فرهنگ ایرانیان به شمار می‌روند. فره‌وشی می‌نویسد : مردم ایران تک‌درخت رسته بر سر تپه‌ها، کوه‌ها و زیارتگاه‌ها، به خصوص



تصویر ۵. نقش درخت زندگی بر قالی در منطقه آناتولی، قرن نوزدهم. مأخذ: <http://www.tcoletribalrugs.com>



تصویر ۴. در هنر فرش طرح‌های درختی از جمله مهم‌ترین و متنوع‌ترین شاخه‌های طراحی فرش است که در اشکال مختلف از جمله طرح محرابی درختی، طراحی شده است. مأخذ: <http://www.iran-carpet.com>



تصویر ۷. درختی در یکی از مساجد استانبول که مردم برای برآورده شدن حاجاتشان به آن توسل می‌جویند، عکس: فرنوش مخلص، ۱۳۹۳.



تصویر ۶. یکی از مظاهر فرارگیری اماکن مقدس در کنار درختان ویژه، در فرهنگ ایران، درخت چنار امامزاده صالح بوده است، مأخذ: www.entekhab.ir

آن به عنوان یک عنصر کالبدی اثرگذار در شهر است (تصاویر ۹ تا ۱۱).

در شهرهای تطوان و شفشان در گونه دوم، گل‌های کاغذی جای خود را به بوته‌های رونده می‌دهند. سبزی‌نگی درون



تصویر ۹. گل‌دان‌های تزئینی در مدینه شهر رباط بارزترین و عمومی‌ترین نحوه حضور درخت در سطح شهر هستند، عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.



تصویر ۸. سنت دخیل بستن به درختان در آفریقا مانند بسیاری از نقاط دنیا نشان از تقدس این عنصر طبیعی در فرهنگ برخی ملل دارد. مأخذ: <https://www.seratnews.com>



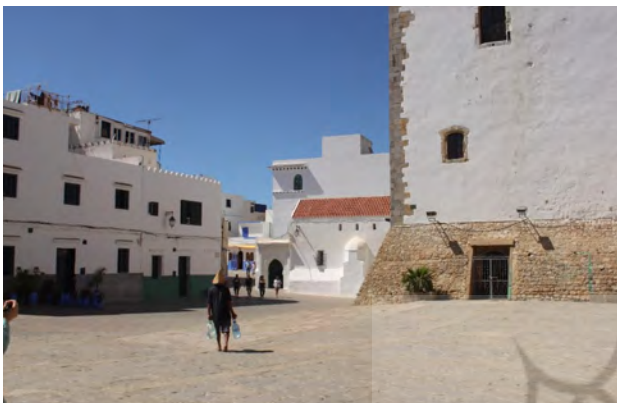
تصویر ۱۰: مدینه شهر اصیله به عنوان یکی از شهرهای ساحلی مراکش در فضاهای باز نیز شاهد حضور درختانی در وسعت فراتر از گل‌دان‌های کوچک نیست، عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.

کلی به سه دسته تقسیم کرد:^۱

- شهرهایی که در نوار ساحلی قرار دارند (رباط، اصیله، صویره و تانژه)
- شهرهایی که در نواحی کوهپایه‌ای قرار دارند (تطوان و شفشان)
- شهرهایی که در دشت‌ها و نواحی دورتر از کوه و دریا قرار دارند (فاس، مکناس و مراکش).

در شهرهای رباط و تانژه حضور فضای سبز در بافت شهری، بیشتر محدود به درختان رونده و گل‌دان‌های تزئینی است. گل‌های کاغذی که بعضاً از لبه دیوار حیاط خانه‌ای بیرون زده و گل‌دان‌های رنگی، نماینده حضور عمومی گیاهان در سطح شهر هستند. درخت به عنوان یک عنصر تعریف‌کننده و مؤلفه فضا‌ساز شهری در بافت حضوری ندارد. نبود تک درخت و فرم‌های دیگر آن، در کالبد شهری، نشان از بی توجهی به این عنصر سبز در این دسته شهرها دارد، تا جایی که به خاطر این مؤلفه‌های سبز نیز فضاهایی گشوده درون بافت دیده نمی‌شود. بنابراین نحوه حضور درخت در این دست شهرها حضوری حداقلی است که ناشی از عدم توجه

اذهان شهروندان نشان می‌دهد (تصویر ۱۴).
مکناس گونه‌ای متفاوت از نظر حضور درخت در شهرهای مراکش است. این شهر، تنها شهری است که محلات و بافت شهری آن، واشدگاهایی به عنوان نقاط عطف محله دارند که حضور درخت در آنها اثرگذار و تقویت‌کننده فضا است. در



تصویر ۱۲. نمونه‌ای از درختان رونده در کنار ورودی ساختمان‌های تطوان به عنوان حضور بومی گیاه در سطح شهر، عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۳. شاخه‌های رونده مو بروز بومی درخت در شهر شفشاون، عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۱. گلدان‌های رنگی تزئینی، نماد حضور سبزی‌نگی در تانزه، عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.

بافت این شهرها نیز محدود به حضور همین درخت‌های رونده می‌شود. درختان مو در این شهرها نیز هرچند به عنوان سقف کوچه‌ها و معابر تنگ عمل می‌کنند، اما نمی‌توان حضور آنها را در ایجاد و تعریف فضا، هدفمند و هدایت‌شده دانست چرا که همین اندازه حضور از سبزی‌نگی‌ها را در ورودی خانه‌ها یا کناره معابر به صورت ره‌اشده می‌توان یافت. غیر از مو، درخت دیگری در سطح فضاهای شهری دیده نمی‌شود و فقر حضور این عنصر سبز در این گونه نیز دیده می‌شود (تصاویر ۱۲ و ۱۳).

دسته سوم که شهرهای بزرگ‌تر و تاریخی‌تر مراکش را در برمی‌گیرد حضوری متنوع‌تر از درخت را نشان می‌دهد. فاس به عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای تاریخی و اسلامی مراکش شامل سه بخش قدیم، جدید و مدرن است. این شهر در دو بخش بومی خود دو گونه حضور درخت را نشان می‌دهد. گونه اول در فاس‌البالی (بخش قدیمی‌تر شهر فاس) همان رویکرد شهرهای ساحلی دیده می‌شود که به دلیل بافت متراکم‌تر شهر، محدودتر و با زیبایی‌شناسی بومی‌تری، عدم حضور درخت و حضور گل‌ها و گیاهان کوچک را شاهد هستیم. در فاس جدید می‌توان حضور پررنگ‌تری از درخت را دید که البته نحوه این حضور حکایت از همان رویکرد گذشته دارد. درختان در این بخش شهر نیز نقشی فضا‌ساز و محوری ندارند. درختان این قسمت از شهر تنها به عنوان عنصری افزوده به معابر و در کنار آنها، مکانی برای بساط کردن دست‌فروش‌ها، آویزان کردن وسایل آنها و کاربردهایی از این دست شده است. این موضوع نه‌تنها نشان از بی‌اهمیت‌بودن درخت در فضاهای شهری دارد، بلکه جایگاه نازل آن را در



تصویر ۱۵. یکی از نقاط عطف محلات شهر مکناس که در فضایی محصور با کاربری‌های محلی و درختی در میان، تعریف شده است. عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۴. برخورد منفعلانه با درخت در فاس جدید، عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.



تصویر ۱۶. باغ‌های حاشیه شهر مراکش، عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.

باغ‌سازی وارداتی مراکش، محصولی غیربومی

هنر باغ‌سازی از جلوه‌های مهم حضور درخت در فرهنگ یک کشور است، چراکه موضوع اصلی، ماده خام و دست‌مایه هنرنمایی سازندگان باغ، درخت و سایر عناصر و مؤلفه‌های سبز در کنار فضاهای معماری است. بنابراین مطالعه باغ‌سازی یک سرزمین می‌تواند ما را با رویکرد اصیل مردمان آن در مواجهه با درخت و گیاه آشنا سازد.

تعداد کم و کیفیت باغ‌ها در مراکش حکایت از شیوه مشخص برخورد با عناصر سبز دارد. نداشتن باغ‌های تاریخی در مقایسه با تمدن‌هایی مانند ایران و شرق دور نشان از عدم وجود جایگاه تاریخی باغ‌ها در این منطقه دارند. همچنین این موضوع را می‌توان در واژه‌شناسی کلمه «باغ» در فرهنگ

محلات شهرهای مکناس، گشودگی‌هایی با کاربری‌های محلی وجود دارد که درخت نیز در کنار یا میان آنها نقشی فضایی دارد که گرچه تقدیس شده، مورد احترام یا کاربردی نیست اما در مقایسه با سایر شهرهای مراکش، حضور قابل تأملی در شهر دارند (تصویر ۱۵).

مکناس نمونه‌ای است متمایز که نحوه حضور درخت در مراکز محلی آن موضوعی مورد سؤال است و حدسیاتی که در این زمینه مطرح است موضوع پژوهشی دیگر است. حدسیاتی مانند این که مکناس اساساً بر بستر باغاتی شکل گرفته که این درختان بقایای آنها هستند یا این که بانیان و ساکنان اولیه این شهر بنا بر موضوعی ذهنی یا تفکری غالب دست به کاشت درختان در نقاط عطف شهری خود زده‌اند. چنانچه عنوان شد، پرداختن به این حدسیات و اسناد و منابع برای اثبات یا رد آنها موضوعی خارج از مجال این مقاله است.

مراکش به عنوان شهری که سالیان متمادی به عنوان پایتخت بزرگ کشور مراکش بوده است، نمونه مهم قابل مطالعه‌ای در میان شهرهاست. تفاوت عمده این شهر از لحاظ حضور درخت، در قسمت‌های جدا شده سبزی است که می‌تواند به عنوان مهم‌ترین جلوه سبز در آن قلمداد شود. فارغ از حضور کم‌رنگ و حداقلی درخت در بافت تاریخی مراکش، باغ‌های حاشیه شهر نوعی دیگر از حضور متراکم درختان است. باغ‌های زیتون و نخلستان‌های حاشیه شهر که گاه به محل تفریح و بستری برای ویلاسازی متمولان شهر تبدیل شده است، تصویری از بیرون‌راندن درختان و فضاهای مخصوص به آنها از شهر را متصور می‌سازد (تصویر ۱۶).

آنها گونه‌های خارجی نگهداری می‌شوند احداث شده‌اند، اما همین هدف نیز رویکردی است متأثر از شیوه‌ها و سبک‌های باغ‌سازی اروپایی. بنابراین اصولاً طرح کاشت باغ‌ها در مراکش منطبق عملکردی، هویتی و با زیباشناسی وارداتی دارند. با توجه به مطالب ذکر شده می‌توان دریافت هنر باغ‌سازی مراکش، هنری اصیل و ریشه‌دار در فرهنگ مراکش محسوب نمی‌شود و بیشتر سبکی التقاطی و وارداتی است. در این بخش، باغ و باغ‌سازی به عنوان یک هنر و محصول فرهنگی، نشان از عدم وجود جایگاهی منحصر به فرد در کشور مراکش دارد و این خود نشانه‌ای از جلوه غیربومی درخت در فرهنگ این سرزمین خواهد بود (تصویر ۱۷).

جلوه‌های درخت در سایر هنرهای مراکش

رجوع به سایر جلوه‌های هنری در مراکش نیز نشان از نحوه حضور گیاهان و درختان در هنرهای مراکشی است. هنرهای تزئینی که می‌توانند بارزترین تصویر حضور گیاه و درخت را در فرهنگ مراکشی نشان دهند در نقوش فرش یا تزئینات

مراکش نیز دنبال کرد، چنانچه این کلمه در مراکش به نخلستان‌ها و باغ‌های زیتون اطلاق می‌شود (زانگری، ۱۳۹۲). این موضوع یعنی نداشتن سابقه تاریخی و فرهنگی در باغ‌سازی، همچنین منجر به ابداع یا خلق یک شیوه باغ‌سازی و سبک ویژه نیز نشده است. باغ مهمی که در شهری تاریخی مانند فاس مورد بازدید قرار گرفت با نام "جنان‌السبیل" و قدمت آن که تنها به سه قرن پیش برمی‌گردد نشان می‌دهد پیشینه باغ‌سازی در این شهر چندان قدیمی و تاریخی نیست. باغ‌های محدود دیگر در سایر شهرها نیز حکایت از تاریخ نه‌چندان دور ساخت آنها دارد. مطالعه و حتی مشاهده مختصر این باغ‌ها همچنین نشان‌دهنده این است که شیوه باغ‌سازی در غالب موارد مختلط و التقاطی است. باغ‌های کشور مراکش را می‌توان متأثر از باغ‌سازی فرانسوی، ایرانی-اسلامی و اندلسی دانست. باغ‌هایی که گاه حتی در استفاده از گونه‌های طبیعی نیز رویکردی اصیل نداشته و شیوه‌ای مشخص را در استفاده از گیاه آرایه نمی‌دهند. هرچند برخی باغ‌های مورد بازدید اصولاً به عنوان باغ‌هایی که در



تصویر ۱۷. استفاده از گیاه بامبو در حاشیه کرت باغ جنان‌السبیل نمونه‌ای از نداشتن رویکرد مشخص نسبت به نوع گیاه است و اقدامی وارداتی محسوب می‌شود. عکس: ریحانه حجتی، ۱۳۹۵.



کاشی کاری معماری قابل پیگیری است. نگاهی اجمالی به این نقوش در فرش و سایر صنایع دستی این کشور نشان می‌دهد بیش از خطوط طبیعی یا نقوش گیاهی، این نقوش هندسی هستند که ساختار کلی تزئینات بومی را تشکیل می‌دهند. تحقیقات انجام شده فرم‌های تزئینی را به دو دسته گیاهی و هندسی تقسیم می‌کند و این مطالعات در مراکش نشان‌دهنده آن است که تزئینات کاشی کاری در این کشور صرفاً هندسی و ریاضی هستند (Thalal, Benatia, Jali, Aboufadil & Elidrissi, 2011). دو نمونه از نقوش خاص این کشور با عناوین «زلیج» (Zelij) و «حصبا» (Hasba) از فرم‌های پایه تزئینات کاشی کاری معرق در بناهای مراکش هستند که کاملاً ساختار هندسی دارند (Ibid). این موضوع به ویژه درباره درخت به عنوان موضوع مورد بحث این پژوهش پررنگ‌تر بوده و کمتر می‌توان نقشی برآمده از فرم یا ساختار درخت در هنر و تزئینات مراکشی یافت (تصاویر ۱۸ و ۱۹)؛ (جدول ۱).



تصویر ۱۸. نمونه‌ای از الگوهای فرش‌های مراکشی، مأخذ: <http://manual09biz>

تصویر ۱۹. نمونه‌ای از تزئینات زلیج در مقبره سعدیان مراکش، مأخذ: Thalal, Benatia, Aboufadil, Elidrissi, 2011

جدول ۱. گونه‌های مختلف حضور درخت در شهر و هنر مراکش، مأخذ: نگارندگان.

محل ظهور گیاه و درخت	شهر
نحوه ظهور گیاه و درخت	
حضوری حداقلی، بیشتر به صورت گلدان و گیاهان رونده درختان رونده، گلدان‌های تزئینی کاشت درختان به صورت اتفاقی و بدون توجه به کارکرد فضایی آنها	شهرهایی که در نوار ساحلی قرار دارند. شهرهایی که در نواحی کوهپایه‌ای قرار دارند. شهرهایی که در دشت‌ها و نواحی دورتر از کوه و دریا قرار دارند.
استفاده از نقوش هندسی و عدم استفاده از نقش درخت	فرش کاشی کاری
	هنرهای بومی

نتیجه‌گیری

با رجوع به معنای کلمه بوم و بومی، راه رسیدن به جلوه بومی درخت در سرزمین مراکش در این مقاله، بررسی جایگاه و ظهور آن در انواع محصولات تمدنی و فرهنگی برخاسته از این سرزمین دنبال شده است. بدین ترتیب در سه بخش به نحوه حضور درخت در شهرها (بخش اصیل)، باغ‌سازی و هنرهای تجسمی پرداخته شده است. حضور کم‌رنگ یا عدم حضور درخت در بخش مدینه شهرها به عنوان عناصری ساختاری و فضا ساز نشان از جایگاه نداشتن درخت در شکل‌گیری شهرهای کشور مراکش است. با مشاهده هنر باغ‌سازی مراکش و بررسی باغ‌های موجود، می‌توان به این نتیجه رسید که نداشتن ایده‌ای اصیل و رویکردی منحصر به فرد برای ساخت باغ در این سرزمین بیانگر عدم جلوه‌گری بومی درخت در این هنر است. در مرحله آخر مراجعه به سایر هنرها و محصولات فرهنگی مراکش و نقش درخت در آنها نیز نشان می‌دهد این عنصر به عنوان یک عنصر متمایز و اثرگذار در هنرهای این سرزمین جایگاه و جلوه‌ای نداشته است.

بدین ترتیب جلوه بومی "درخت" ناشی از نگاهی برخاسته از این بوم (سرزمین مراکش)، عبارت است از "بی‌درختی" یا

"عدم وجود درخت" در فرهنگ بومی این سرزمین، چراکه در هیچ‌یک از آثار بومی این سرزمین جلوه‌گری مشخص و تعریف‌شده‌ای ندارد.

پی‌نوشت

*. این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی در گردشگری منظر بومی مراکش است که در سال ۹۵ و ۹۶ در پژوهشکده نظر انجام و سفر مطالعاتی آن به مقصد ۱۲ شهر مراکش در شهریور ۹۵ برگزار شد.

۱. شهرهای کشور مراکش دارای دو بخش تاریخی و مدرن هستند که تحت عنوان «مدینه» و «ویل نوول» شناخته می‌شوند. از آنجا که این پژوهش صرفاً به دنبال رویکرد بومی در برخورد با درخت است، تنها مدینه‌ها موضوع این بخش هستند.

فهرست منابع

- زانگری، لوئیجی. (۱۳۹۱). *باغ‌های ایرانی-اسلامی*. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- فره‌وشی، بهرام. (۱۳۸۲). *ایرانویج*. تهران: دانشگاه تهران.
- گورین، ویلفرد و دیگران. (۱۳۸۳). *راهنمای رویکردهای نقد ادبی*. ترجمه: زهرا میهن‌خواه. تهران: اطلاعات.
- Thalal, M. J. Benatia, A. Jali, Y. Aboufadil & M. A. Elidrissi R. (2011). ISLAMIC GEOMETRIC PATTERNS CONSTRUCTED BY CRAFTSMEN WORKING ON WOOD. *Symmetry, Culture and Science*(22): 103-130.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

حجتی، ریحانه. (۱۳۹۷). حضور درخت در مراکش، *مجله هنر و تمدن شرق*، ۶(۲۰): ۲۱-۳۰

DOI:10.22034/JACO.2018.67357

URL:http://www.jaco-sj.com/article_67357.html

